

رابطه بین سبک های دلبستگی با نوع هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ ساله

Relationship between attachment style and identity status in 15- 30 years old prisoners

Kh. Baqeri, MA: in Psychology

Kh_baqeri@yahoo.com

H. Bahrami, PhD: Azad Uni.

M. madreza Jalali, PhD: Emam Khomeiny International Uni.

خدیجه باقری: کارشناس ارشد روان شناسی عمومی

دکتر هادی بهرامی: دانشگاه آزاد - واحد علوم و تحقیقات تهران

دکتر محمدرضا جلالی: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

Abstract: Aim The main aim of this study is to examine the relationship between attachment styles and identity status in a sample of 15-30 year old. **Method:** Prisoners 50 men and 50 women were selected from a sample of detainees in Qazvin City measures. Center includes the Adults Attachment Index (AAI) and a Bunion and Adams's Identity Moods Questionnaires. **Results** For analyzing research data, some statistical. Results show that there is a significant correlation between attachment styles and identity status. Those prisoners who report secure attachment / also report to have successful identity status and status, whereas those prisoners who report insecure attachment style (avoidance-ambivalent) mostly report foreclose and diffusion status. However, female prisoners report stronger attachment to their mothers and male prisoners report stronger attachment to their peers. **Conclusion** Among those prisoners who have the attachment style to their mothers, the highest percentage is in foreclose identity status and among those prisoners who have the most attachment to their fathers, the highest rate is in diffusion identity status and among those prisoners who have the attachment style to their peer, the highest rate have been observed in diffusion identity status.

چکیده: هدف این پژوهش تعیین رابطه بین سبک های دلبستگی با پایگاه های هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ ساله بود. **روش** پژوهش از نوع همبستگی است. ۵۰ زندانی زن و ۵۰ زندانی مرد با نمونه گیری مقطعی و در دسترس در زندان و کانون اصلاح و تربیت شهر قزوین انتخاب و آزمون شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس دلبستگی بزرگسالان (AAI)، (1987) و پرسشنامه سنخ های هویت بنیون و آدامز، (1989) بود. تحلیل داده ها از آزمون t مستقل و آزمون خی دو انجام شد. **یافته ها** نشان داد رابطه بین سبک های دلبستگی و نوع هویت معنادار است. زندانیان دارای سبک دلبستگی ایمن به ترتیب دارای پایگاه های هویت موفق و در حال تعلیق بودند، در صورتی که زندانیان با سبک دلبستگی نا ایمن (اجتنابی و مضطرب - دوسو گرا) بیشتر دارای پایگاه های هویت آشفته و زود رس بودند. در عین حال زندانیان زن بیشترین میزان دلبستگی را به مادر و زندانیان مرد بیشترین میزان دلبستگی را به همسالان داشتند. در بین زندانیان دارای سبک دلبستگی به مادر بیشترین درصد در پایگاه هویت آشفته و در بین زندانیان دارای سبک دلبستگی به همسالان بیشترین درصد در پایگاه هویت آشفته مشاهده گردید. **نتیجه گیری:** تفاوت های جنسی، پیوند های عاطفی و بازخورد های مادر، پدر و همسالان در سبک های دلبستگی و پایگاه هویت آنان نقش مهمی ایفا می کند. بنابراین لازم است برای پیشگیری از بزهکاری آموزش های لازم قبل از ازدواج درباره شیوه های فرزندی و رابطه آن با سبک های دلبستگی، پایگاه هویت و رفتارهای سازگانه و بزهکارانه ارائه شود.

Keywords: identity status, security attachment, moratorium, prisoners

کلید واژه ها: سبک های دلبستگی، زندانیان، هویت

مقدمه

دلبستگی^۱ عبارت است از برقراری پیوند عاطفی عمیق با افرادی خاص در زندگی به نحوی که تعامل با آن‌ها باعث احساس نشاط و شغف شود و وجود آن‌ها به هنگام تنش مایه آرامش باشد (برک، ۱۳۸۴). شکل‌گیری دلبستگی تدریجی است و نوزاد میل دارد دلبستگی خود را به فردی معطوف کند که مطلوب اوست و توانایی کاستن از اضطراب، تنش و ناراحتی‌های او را دارد و در رفع نیازهای او کوشا است. دلبستگی گذشته از آن که تعامل بین مادر و کودک را تسهیل می‌کند، نوعی احساس ایمنی نیز در کودک به وجود می‌آورد. پس از آن که دلبستگی به واسطه نزدیکی و تعامل ویژه والد و نوزاد شکل گرفت، خود دلبستگی عاملی خواهد شد که به حفظ نزدیکی والد و نوزاد کمک می‌کند (خانجانی، ۱۳۸۴). به نظر جان بالبی^۲ ۱۹۶۹ دلبستگی محصول تکامل و ضامن بقای کودکان است چون باعث می‌شود مراقبان کودک از او محافظت کنند و زمینه ساز رشد وی شوند (کاپلان، ۱۳۸۶). اینزورث^۳ نیز اثبات کرد دلبستگی به کاهش اضطراب کمک می‌کند. آن چه او تاثیر پایه ایمنی می‌نامد کودک را قادر می‌سازد تا شخص مورد دلبستگی را ترک کند و در محیط پیرامون خود به جستجو بپردازد. حساسیت و پاسخ دهی مادر عوامل اصلی دلبستگی ایمن هستند ولی هنگامی که دلبستگی نایمن است نوعی احساس عدم اطمینان (دوری‌گزینی، اضطراب و تردید) در مزاج کودک پدید می‌آید (کاپلان و سادوک، ۱۳۸۷). شکل‌گیری دلبستگی نیاز به زمان دارد و همپای توانایی‌های شناختی کودکان عمیق تر می‌شود. به اعتقاد اریکسون ۱۹۶۳، ایجاد حس اعتماد به مراقبان نقش مهمی در رشد کودک دارد چون مبنای رفع دیگر بحران‌های روانی و اجتماعی خواهد شد. حس اعتماد وقتی در خردسالان ایجاد می‌شود که نیازهای جسمی و هیجانی آن‌ها با مهربانی و به طور یکنواخت ارضا شود. در غیر این صورت، در کودک بی‌اعتمادی به وجود می‌آید که بر روابط میان فردی آتی او تاثیر منفی خواهد گذاشت (کاپلان، ۱۳۸۶). بالبی در تاکید بر اهمیت ارتباط مادر و کودک معتقد است آن چه برای سلامت روانی کودک ضروری است تجربه یک ارتباط گرم، صمیمی و مداوم با مادر و جانشین دائم اوست. او معتقد است بسیاری از شکل‌های روان‌پریشی‌ها و اختلال‌های شخصیت حاصل محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم پایایی ارتباط کودک با فرد مورد دلبستگی است (ماسن، کیگان، جروم، هوستون، آستا کارول، کانجر، جان جین وی، ۱۳۸۴). چون رابطه اولیه والدین و کودکان نقش الگو را برای روابط میان فردی در دوره نوجوانی، جوانی و بزرگسالی بازی خواهد کرد

1. Attachment
2. Bowlby
3. Ainsworth

رابطه بین سبک های دلبستگی با نوع هویت...

(کاپلان، ۱۳۸۶). وست^۱ و شلدون کلر^۲ ۱۹۹۴، دلبستگی در بزرگسالان را روابط دو به دویی تعریف می کنند که در آن همجواری با یک شخص به خصوص ترجیح داده می شود و منجر به ایجاد حس ایمنی می گردد. برمن و اسپرین ۱۹۹۴، دلبستگی بزرگسال را گرایش پایدار شخص، تلاش ویژه برای دستیابی یا حفظ همجواری و ارتباط با یک یا چند شخص خاص می دانند که توانایی فراهم آوردن سلامت و امنیت جسمی و روانی وی را دارا هستند (پژوهنده، ۱۳۸۵). در کودکی فرایند جفت شدن مراقبت کننده و مراقبت شونده تقریباً همیشه فرایندی طبیعی است و شانس برای انتخاب، وجود ندارد. اما دلبستگی در بزرگسال برای هر دو طرف رابطه، با نوعی انتخاب همراه است. نظام دلبستگی در نوزادان و کودکان از نظر نتیجه نهایی بیشتر در خدمت بقای نوزاد عمل می کند در حالی که در مورد بزرگسالان فراهم آوردن واحد خانواده در خدمت تنظیم سطح بهینه پایدار و مداوم «همجواری - فاصله» با همسر است که معمولاً به افزایش امکان بقا منجر می شود (پژوهنده، ۱۳۸۵). سبک و الگوی دلبستگی از دوران کودکی شکل می گیرد و در گستره زندگی نسبتاً پایدار می ماند. دلبستگی در جریان چرخه زندگی از مادر به نزدیکان و بالاخره در گروه های پیش از پیش وسیع تری تسری می یابد و به صورت عامل مهمی برای ساخت دهی شخصیت فرد در می آید. پژوهش های بسیاری نشان داده است که هر الگویی از دلبستگی مجموعه ویژگی های رفتاری خاص را در افراد بر می انگیزد و روابط نزدیک و تجارب هیجانی آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد و مبنای تعاملات و چارچوب های فکری و عاطفی آنان را در نوجوانی و دوران بزرگسالی شکل می دهد (بالبی، ۱۹۶۹/۱۹۷۹، نقل از مردیث^۳، اونزورث^۴ و استرنگ^۵، ۲۰۰۸). صدها مطالعه نشان داده اند که الگوی دلبستگی افراد، پیش بین مطمئنی برای تبیین تفاوت های آنان در ابعاد روان شناختی، وابستگی های اجتماعی، شناخت اجتماعی، روابط رومانیتیک و زناشویی، میزان کنترل بر استرس ها و هیجانات، واکنش به جدائی ها، کارآمدی در روابط میان فردی و طرحواره افراد نسبت به خود و دیگران است. به طور مثال دلبستگی های مختل با اختلال های شدید، افسردگی، رفتارهای ضد اجتماعی و مشکلات سازگاری و اشکال در والدینی کردن مناسب رابطه دارند (کاوالسکی^۶ و وستن^۷، ۲۰۰۵).

1. Veast
2. Sheldown
3. Meredith
4. Ownsworth
5. Strong
6. Kowaleski
7. Weston

الگوی دلبستگی کودک - والد می تواند زمینه ساز نحوه برخورد فرد با مسائل آتی در زندگی از قبیل مشکلات تحصیلی، عاطفی، شغلی و غیره باشد و نیز می تواند شیوه نگرش فرد را نسبت به مسائل و مشکلات مشخص سازد و همچنین آمادگی های فرد را نسبت به حل و فصل مشکلات و کنش ها و عکس العمل های فرد در برابر معضلات اجتماعی و ناکامی ها تعیین کند. آرمسدن^۱ و گرنبرگ^۲ ۱۹۹۸ از بررسی های متعدد خود نتیجه گرفتند که کیفیت دلبستگی به والدین و همسالان با سلامت روانی نوجوانان، شکل گیری هویت، کنار آمدن با بحران های مختلف و رضایت از زندگی ارتباط دارد (پاکدامن، ۱۳۸۰). نوجوانی دوره پیچیده ای از رشد انسان است که دامنه آن از ۱۳ تا ۱۸ سالگی امتداد دارد. در واقع، صرف نظر از دوره نوزادی در هیچ دوره ای از زندگی، تغییراتی به اندازه دوره نوجوانی در فرد روی نمی دهد. در طی این دوره، نوجوان بلوغ را تجربه می کند که بر رشد جسمانی، فیزیولوژیکی و روان شناختی وی تاثیر می گذارد. تغییرات قابل ملاحظه ای در مفهوم خود صورت می گیرد، در این دوره نوجوانان بحران هویت را تجربه می کنند، مسائل و مشکلات عاطفی آن ها افزایش می یابد، از نظر هوشی به مرحله تفکر انتزاعی می رسند، ارتباط آن ها با گروه های همسالان افزایش می یابد، برای پذیرش مسؤولیت های بزرگسالانه و ورود به صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه آماده می شوند و نسبت به انتخاب شغل در آینده و تشکیل زندگی خانوادگی، مشغله ذهنی پیدا می کنند. در جریان رشد، کودکان به تدریج خود را از دیگران و به ویژه مادر متمایز می کنند و وجود خود را کم و بیش مستقل از دیگران می بینند، این روند از سال های کودکی آغاز می شود. هویت یابی از دوران نوجوانی و به موازات رشد جسمی، شناختی، اجتماعی و عاطفی اهمیت خاصی می یابد و تلاش برای رسیدن به هویت فرایندی دائمی است (احدی، ۱۳۸۰). هویت نقش اجتماعی فرد و ادراک فرد از آن است. اریکسون هویت را احساس همانندی، تداوم، یکتایی و استقلال فردی می داند که به باور وی از زمینه هدف ها، ارزش ها و تصویر بدنی اش سرچشمه می گیرد. اریکسون ایجاد هویت را به عنوان مهم ترین پیشرفت شخصیت در دوره نوجوانی مطرح کرده و آن را گامی موثر در جهت رسیدن به بزرگسالی شادمانه و مولد شناخته است (عبادی، ۱۳۸۰). مارسیا در رابطه با شکل گیری هویت در نوجوانان چهار سطح جداگانه در رشد "هویت من" پیشنهاد کرده است که عبارتند از: موفق، معوق، زودرس و آشفته (کاپلان، ۱۳۸۶)

همه کودکان احساس دلبستگی پیدا می کنند. دلبستگی شالوده رشد عاطفی و اجتماعی سالم در دوران بزرگسالی را پی ریزی می کند و بر شکل گیری موفق هویت که با سلامت روانی ارتباط دارد تاثیر می گذارد. نوجوانان و جوانانی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، در بستر مناسب

1. armsdon

2. greenberg

اجتماعی هویت موفق کسب می کنند. این افراد دارای استقلال عمل بیشتری هستند و در مواجهه با موقعیت های پر تنش روانی مطابق با عرف اجتماعی عمل می کنند؛ قاطعیت و صراحت لازم را برای رد تقاضاهای غیر منطقی و خارج از عرف اجتماعی دارا هستند؛ عزت نفس و توان بازداری لازم را برای مهار خواسته های ناپسندی که منجر به از بین رفتن حقوق اجتماعی دیگر افراد جامعه می شود، دارند. در مقابل شکل گیری سبک های دلبستگی نایمن (اجتنابی و مضطرب-دوسوگرا) که به کسب پایگاه های هویتی انحرافی (آشفته و زودرس) افراد منتهی می شود، استقلال عمل آن ها را می گیرد، زمینه های تقلید، تمکین و اغوا شدن در آن ها بالا می رود و در نتیجه این افراد قاطعیت و صراحت لازم برای رد تقاضاهای غیر منطقی و خارج از عرف اجتماعی را از دست می دهند. علاوه بر این چون این گونه افراد توان بازداری لازم برای مهار خواسته های نامعقول خود را ندارند به راحتی حقوق اجتماعی دیگران را زیر پا می گذارند و دست به سوء استفاده می زنند. مجموعه این عوامل سبب بروز رفتارهای بزهکارانه در این افراد می شود.

با توجه به نقش غیر قابل انکار الگو های دلبستگی در کارکردهای رفتاری و الگوهای هیجانی و به ویژه در فرایند شکل گیری هویت، پژوهش حاضر طرح و اجرا گردید تا به این سوال پاسخ دهد؛ آیا بین سبک های دلبستگی ایمن و نایمن (اجتنابی و مضطرب-دوسوگرا) با شکل گیری انواع هویت در زندانیان مرد و زن رابطه دارد؟

روش

این پژوهش از نوع همبستگی است و جامعه مورد بررسی شامل کلیه زندانیان مقطع سنی ۱۵ الی ۳۰ ساله مرد و زن استان قزوین بود که به علت جرایم متعدد از جمله سرقت، حمل مواد مخدر، اعتیاد، ضرب و جرح اشخاص و اموال، قتل، آدم ربایی و وابستگی به مواد در فاصله زمانی نیمه اول شهریور ۱۳۸۷ الی نیمه دوم آذر با حکم مراجع قضایی در زندان مرکزی استان و کانون اصلاح و تربیت شهرستان قزوین زندانی شدند. آزمودنی ها ۱۰۰ نفر زندانی شامل ۵۰ زندانی زن ۱۵ الی ۳۰ ساله از بند زنان و ۵۰ زندانی مرد ۱۸ الی ۳۰ ساله از بند جوانان زندان مرکزی بودند. ان جوان بودند؛ از بین ۷۰ نفر از زندانیان مرد مذکور ۲۵ نفر و ۲۵ نفر نیز از پسران ۱۵ الی ۱۸ ساله در کانون اصلاح و تربیت طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. در نمونه زنان با توجه به محدود بودن و شناور بودن جمعیت مورد بررسی از روش نمونه گیری مقطعی استفاده شد.

جدول ۱. مشخصات جامعه آماری پژوهش

دامنه سنی	تعداد زندانیان	نام زندان	
۱۸-۳۰	۷۰	بند جوانان (مردان)	زندان مرکزی (چوبیندر)
۱۵-۳۰	۵۰	بند نسوان (زنان)	
۱۸-۱۵	۲۵	کانون اصلاح و تربیت (پسران)	

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه حالات هویت بنیون و آدامز^۱. این پرسشنامه به وسیله بنیون و آدامز در سال ۱۹۸۹ براساس نظریه اریکسون و مارسیا در مورد هویت تدوین شد و از سوی آقا سلطانی (۱۳۷۸) در دانشگاه اصفهان ترجمه و روایی و اعتبار آن برای دانش آموزان ایرانی محاسبه شد. این پرسشنامه از ۶۴ سوال تشکیل شده و شامل ۴ خرده مقیاس است. خرده مقیاس های این پرسشنامه عبارتند از: ۱- هویت های موفق ۲- معوق ۳-زود رس ۴- آشفته. هر خرده مقیاس ۱۶ سوال دارد. سوال های هر خرده مقیاس در مورد دو حیطه کلی مسائل عقیدتی (شغل، مذهب، سیاست، فلسفه، زندگی) و بین فردی (دوستی، قرار ملاقات، تفریح، نقش جنسی) است. در واقع هر خرده مقیاس در درون خود واجد خرده مقیاس های عقیدتی (۸ مورد) و بین فردی (۸ مورد) است. پرسشنامه سنجش حالات هویت بنیون و آدامز برای سنجش حالات هویت افرادی که محدوده سنی ۱۴ الی ۵۶ سال قرار دارند مناسب است. این پرسشنامه به شکل فردی و گروهی اجرا می شود (عبادی، ۱۳۸۰).

۲. مقیاس دلبستگی بزرگسالان (AAI)^۲. این مقیاس بر اساس مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور ۱۹۸۷ از سوی بشارت در سال ۱۳۷۹ ساخته و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شد، و دو قسمت دارد. قسمت اول با سه سبک دلبستگی ایمن^۳، اجتنابی^۴ و مضطرب- دو سو گرا^۵ برحسب ۲۱ سوال در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (هیچ=۱؛ کم=۲؛ متوسط=۳؛ زیاد=۴؛ خیلی زیاد=۵) از هم متمایز می شوند. ضریب آلفای کرونباخ^۶ پرسش های هریک از زیر مقیاس های ایمن، اجتنابی و مضطرب - دو سو گرا در مورد یک نمونه دانشجویی $n=240$ ؛ برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵ و برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای

1. Extended objective measure of identity status
2. Adult Attachment Inventory
3. Securely attachment
4. Avoidance
5. Ambivalent
6. Cronbach

رابطه بین سبک های دلبستگی با نوع هویت...

دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶ بود که نشانه همسانی درونی^۱ مقیاس بزرگسال است (بشارت، ۱۳۷۹). در قسمت دوم، آزمودنی با انتخاب یک گزینه از سه گزینه‌ای که سه نوع دلبستگی را توصیف می‌کنند، سبک دلبستگی خود را مشخص می‌کند. ضریب همبستگی بین نمره های آزمودنی در دو قسمت پرسشنامه برای آزمودنی های دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۷ است. ضریب پایایی باز آزمایی^۲ مقیاس دلبستگی بزرگسال در هر یک از زیر مقیاس های ایمن، اجتنابی و مضطرب - دوسوگرا برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۲، ۰/۹۰ و برای دختر ها ۰/۹۲، ۰/۹۳، ۰/۹۱ و برای پسر ها ۰/۹۴، ۰/۸۹، ۰/۹۳ است. اعتبار محتوایی^۳ مقیاس دلبستگی بزرگسالان با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره های چهار روان شناس بررسی شده است. براساس نتایج به دست آمده، ضرایب همبستگی از ۰/۷۳ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۹۰ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی اجتنابی و از ۰/۶۳ تا ۰/۸۷ برای سبک دلبستگی دوسوگرا محاسبه شد که در همه سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی دار است. اعتبار همزمان^۴ مقیاس دلبستگی بزرگسال با مقایسه نتایج آزمون عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) بررسی شده است. ضرایب همبستگی بین نمره های کل آزمودنی ها در مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت با سبک دلبستگی نشان دهنده همبستگی مثبت معنی دار سبک دلبستگی ایمن با عزت نفس عمومی (p= ۰/۰۰۲ و I= ۰/۳۹)، عزت نفس تحصیلی (p= ۰/۰۰۲ و I= ۰/۳۹)، عزت نفس خانوادگی (p= ۰/۰۰۲ و I= ۰/۴۵) و عزت نفس اجتماعی (p= ۰/۰۰۱۲ و I= ۰/۴۱) است (بشارت، ۱۳۷۹).

یافته ها

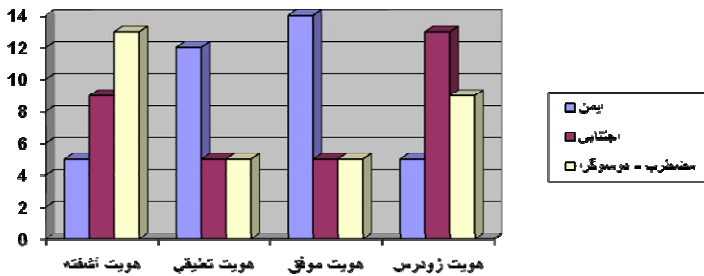
جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد سبک های دلبستگی به تفکیک پایگاه های هویت در نمونه مورد پژوهش

کل		آشفته		معوق		موفق		زودرس		پایگاه های هویت
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۳۶	٪۳۶	۵	٪۱۴	۱۲	٪۳۳	۱۴	٪۳۹	۵	٪۱۴	ایمن
۳۲	٪۳۲	۹	٪۲۸	۵	٪۱۶	۵	٪۱۶	۱۳	٪۴۰	اجتنابی
۳۲	٪۳۲	۱۳	٪۴۰	۵	٪۱۶	۵	٪۱۶	۹	٪۲۸	مضطرب - دوسوگرا

2. Internal consistency
3. Test – retest reliability
4. Content validity
5. Concurrent validity

جدول ۳. نتایج آزمون خی دو برای رابطه بین سبک های دلبستگی با پایگاه های هویت

سطح معناداری	ضریب توافقی C	خی دو	درجه آزادی
۰/۰۰۸	۰/۳۸	۱۷/۴۹	۶



نمودار ۱ توزیع فراوانی پایگاه های هویت به تفکیک سبک های دلبستگی

در جدول ۱ بیشترین فراوانی و در صد در سبک دلبستگی ایمن به ترتیب به پایگاه های هویت موفق (۳۹٪) و معوق (۳۳٪) و در سبک دلبستگی اجتنابی به پایگاه هویت زودرس (۴۰٪) و در سبک دلبستگی مضطرب - دوسوگرا به پایگاه هویت آشفته (۴۰٪) مربوط می شود. نتایج آزمون خی دو در جدول ۲ نشان می دهد سبک دلبستگی ایمن با پایگاه هویت موفق و معوق (خی دو = ۱۷/۴۹) با اطمینان ۹۵٪ و سبک دلبستگی نایمن با پایگاه های هویت آشفته و زودرس (خی دو = ۱۷/۴۹) با اطمینان ۹۵٪ رابطه مثبت معنادار دارد.

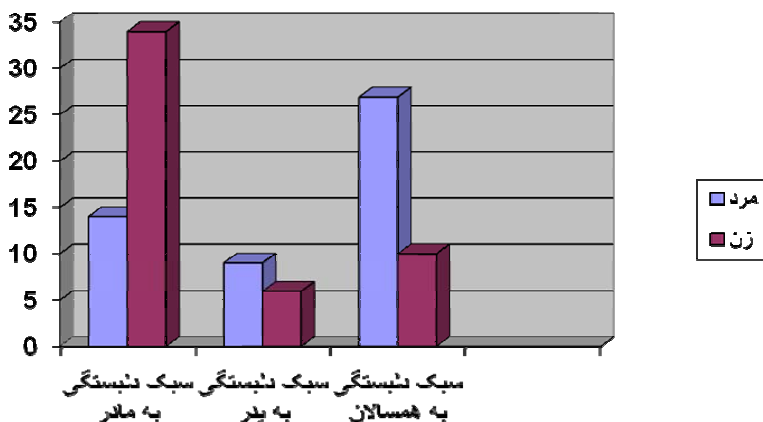
جدول ۴. توزیع فراوانی سبک های دلبستگی به مادر، پدر و همسالان به تفکیک جنس

سبک دلبستگی	کل		مرد		زن		جنس
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
سبک دلبستگی به مادر	۴۸	٪۴۸	۱۴	٪۳۰	۳۴	٪۷۰	
سبک دلبستگی به پدر	۱۵	٪۱۵	۹	٪۶۰	۶	٪۴۰	
سبک دلبستگی به همسالان	۳۷	٪۳۷	۲۷	٪۷۳	۱۰	٪۲۷	

رابطه بین سبک های دل بستگی با نوع هویت...

جدول ۵. نتایج آزمون خی دو سبک های دل بستگی به مادر، پدر و همسالان به تفکیک جنس

سطح معناداری	ضریب توافقی C	خی دو	درجه آزادی
۰/۰۱	۰/۳۷	۱۶/۷۴	۲



نمودار ۲ توزیع فراوانی سبک های دل بستگی به مادر، پدر و همسالان به تفکیک جنس

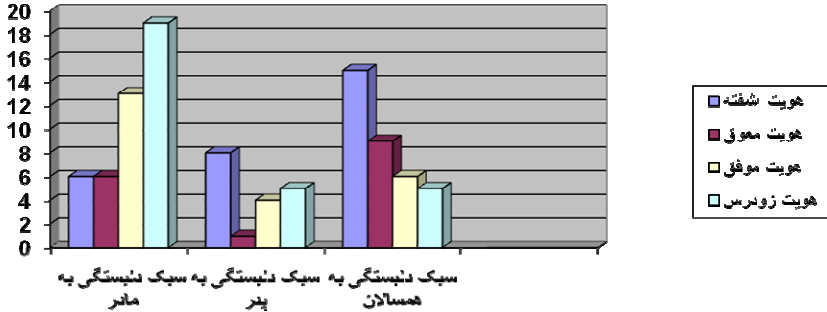
در جدول ۳ بیشترین فراوانی و درصد در سبک دل بستگی به مادر مربوط به زندانیان زن (۷۰٪)، در سبک دل بستگی به همسالان مربوط به زندانیان زن (۷۳٪) است. در سبک دل بستگی به پدر تفاوت معناداری بین دو گروه ملاحظه نگردید. نتایج آزمون خی دو در جدول ۴ نشان می دهد تفاوت سبک های دل بستگی به مادر، پدر و همسالان در زندانیان مرد و زن (خی دو = ۱۶/۷۴) با اطمینان ۹۹٪ معنادار است.

جدول ۵. توزیع فراوانی سبک های دل بستگی به مادر، پدر و همسالان به تفکیک پایگاه های هویت

کل	زودرس		موفق		معوق		آشفته		پایگاه هویت سبک دل بستگی
	ن	%	ن	%	ن	%	ن	%	
۴۴	۱۹	۴۳٪	۱۳	۲۹٪	۶	۱۴٪	۶	۱۴٪	سبک دل بستگی به مادر
۱۸	۵	۲۸٪	۴	۲۲٪	۱	۵٪	۸	۴۵٪	سبک دل بستگی به پدر
۳۸	۸	۲۲٪	۶	۱۵٪	۹	۲۳٪	۱۵	۴۰٪	سبک دل بستگی به همسالان

جدول ۶. نتایج آزمون خی دو سبک های دلبستگی به مادر، پدر و همسالان به تفکیک پایگاه های هویت

سطح معناداری	ضریب توافقی c	خی دو	درجه آزادی
۰/۰۵	۰/۳۵	۱۴/۲	۶



نمودار ۳ توزیع فراوانی سبک های دلبستگی به مادر، پدر و همسالان به تفکیک پایگاه های هویت

در جدول ۵ بیشترین فراوانی و درصد در سبک دلبستگی به مادر در پایگاه هویت زودرس (۴۳٪)، در سبک دلبستگی به پدر در پایگاه هویت آشفته (۴۵٪) و در سبک دلبستگی به همسالان در پایگاه هویت آشفته (۴۰٪) مشاهده می شود. جدول ۶ دو نشان می دهد رابطه سبک های دلبستگی به مادر، پدر و همسالان و پایگاه های هویت (خی دو = ۱۴/۲) با اطمینان ۹۵٪ معنادار است.

بحث و نتیجه گیری

همان طور که اشاره شد پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک های دلبستگی با پایگاه های هویت در زندانیان ۳۰-۱۵ ساله انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که نسبت های به دست آمده با بیشتر یافته های پژوهش های مشابه مطابقت دارد. مطالعاتی که رفتارهای بزهکارانه را از نظر اجتماعی مورد بررسی قرار داده اند، بر این باورند که همپای صنعتی شدن و دگرگونی هایی که در جوامع رخ می دهد آمارهای بزهکارانه رو به فزونی می یابد (جعفری، ۱۳۸۷). پژوهشگران بر این باورند که تحولات اجتماعی بزرگی همچون انقلاب یا جنگ، موجی از آشفتنگی ها و تنیدگی های اجتماعی را به دنبال می آورد. چنین مطالعاتی نشان می دهد که تغییر و تحولات بنیادینی که در فرهنگ، تمدن و شیوه زندگی مردم یک اجتماع رخ می دهد از توان انطباق و سازگاری بسیاری از افراد بیرون بوده و امکان بروز تضاد را در افراد آن جامعه افزایش خواهد داد. همچنین یافته هایی که در زمینه دلبستگی موجود است نشان می دهد

رابطه بین سبک های دلبستگی با نوع هویت...

دلبستگان نایمن، از توان سازگاری کمتری برخوردارند، در روابط میان فردی و مهارت های ارتباطی کارآمدی کمتری دارند و نیز فاقد راهکارهای مقابله ای رشد یافته برای مواجهه با تنش هستند و به جای تلاش برای حل مسالمت آمیز این تنش ها به رفتارهای ناسازگارانه ای همچون رفتارهای بزهکارانه و پر خطر دست می زنند. یافته های این پژوهش نشان داد که رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و پایگاه هویت موفق و معوق از نظر آماری معنادار است. این یافته پژوهش همسو با نتایج پژوهش های کندی (۱۹۹۹)، ریچ و سیگل ۲۰۰۲ است. چند تبیین احتمالی برای این یافته مطرح می شود:

همان طوری که سبک دلبستگی ایمن به کودک اجازه اکتشاف و جستجو در محیط را می دهد، در نوجوانی نیز این کارکرد را دارا است. نوجوانانی که به والدینشان به عنوان پایگاه دلبسته هستند سطوح جدیدی از استقلال را از والدینشان کسب می کنند و در سایه این پایگاه امن به کاوش در نقش های اجتماعی و انتخاب های مختلف می پردازند و به دلیل مسوولیت پذیری، پاسخگو و پذیرا بودن والدینشان بهتر هویت خود را شکل می دهند. علاوه بر این بعضی از ویژگی های نوجوانان دارای سبک دلبستگی ایمن می تواند به آن ها کمک کند تا به پایگاه هویت موفق دست یابند. این ویژگی ها عبارتند از: اعتماد به نفس بالا و تمایل به برقراری روابط صمیمانه و مثبت با دیگران. تجسم مثبت و حمایت گر از منبع دلبستگی (والدین یا همسالان) که این تجسم مثبت می تواند احساس خود ارزشمندی و تسلط را در این افراد افزایش داده و فرد قادر می شود که عواطف منفی خود را به شیوه ای سازنده تعدیل کند. نوجوانان ایمن کمتر از خطر می ترسند زیرا در موقعیت خطرناک خود را تنها احساس نمی کنند. بر این اساس بیشتر خطر می کنند و می توانند در فرایند اکتشاف بهتر عمل کنند. در شرایط بحرانی بر حمایت های دیگران تکیه می کنند و قدرت ابراز هیجان های خود را دارند.

همچنین ویس ۱۹۸۲؛ به نقل از دانشیان، ۱۳۷۸ اظهار می دارد که از نظر نوجوانان فاصله مکانی و قابل دسترس بودن والدین اهمیت ندارد، بلکه اطمینان به تعهد و مسوولیت پذیری والدین مهم است، علاوه بر آن در طی نوجوانی، رفتار های دلبستگی، اغلب به سمت چهره هایی غیر از والدین جهت گیری می شود و به خصوص ارتباط نوجوان با همسالان افزایش می یابد و آن ها می توانند مشوق، الگو و تکیه گاهی برای نوجوانان در برخورد با مشکلات و هویت یابی باشند (برزگر، ۱۳۸۵).

همچنین رابطه معنادار بین سبک دلبستگی ایمن و پایگاه هویت معوق را می توان اینگونه تبیین کرد: بعضی افراد در ارتباط با والدین، اطرافیان و دوستان مورد حمایت قرار می گیرند و به همین جهت دلبستگی ایمن دارند اما شاید به عللی از جمله نداشتن فرصت هایی برای کسب

استقلال رفتاری و تصمیم گیری، هویت شان در زمان مناسب شکل نگرفته است. به نظر می رسد تمامی افرادی که والدینشان زیاد حمایت کننده اند و همین طور والدینی که فرصت تجربه شخصی را به فرزندانشان نمی دهند این موقعیت رشد یافتگی را از فرزندان خود سلب می کنند و سبب اتخاذ پایگاه هویت معوق در نوجوانان می شوند.

پژوهش حاضر نشان داد رابطه بین سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و مضطرب - دو سوگرا) و پایگاه های هویت زودرس و آشفته از نظر آماری معنادار است. در تبیین رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و هویت زودرس می توان این گونه بیان نمود: ویژگی اصلی سبک دلبستگی اجتنابی عبارت است از نگرش منفی نسبت به خود، نگرش منفی و بی اعتمادی کامل نسبت به دیگران. این ویژگی ها زمینه های شکل گیری «آمادگی های دفاعی» مقاومت در برابر تأثیرات خارجی، محدودیت عواطف، بی اعتمادی، سوءظن نسبت به دیگران و سرزنش دیگران را فراهم می سازند (بشارت، ۱۳۸۵). از آنجایی که این افراد در معرض تغییرات سریع و گسترده نوجوانی قرار دارند. روابط آن ها با دیگران به خصوص خانواده دچار تنش های اضافی می شود. این افراد احتمالاً با اختلال های عاطفی رو به رو هستند، با والدین خود در تعارض هستند و نمی توانند به آن ها اعتماد کنند و خانواده برای آن ها به عنوان یک پایگاه امن به شمار نمی رود. مجموعه این عوامل می تواند در شکل گیری هویت زود رس نوجوان تأثیر گذار باشد.

در تبیین رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و پایگاه هویت آشفته می توان گفت، این افراد به دلیل عدم امنیت در روابط خود با والدین و به دلیل نداشتن تعهد و جستجوگری در حوزه های مربوط به هویت و نداشتن یک ادراک جامع از خود و تاکید به زندگی لحظه ای و نسبی گرایی بیشترین سطح مشکلات روان شناختی و بین فردی را نشان می دهند و پایگاه هویت آشفته را کسب می نمایند. در تبیین احتمالی معنادار بودن رابطه بین سبک دلبستگی مضطرب - دوسوگرا و پایگاه هویت زودرس که با پژوهش کندی (۱۹۹۹) هماهنگ است، می توان گفت نوجوانان دارای سبک دلبستگی مضطرب - دوسوگرا وابستگی شدیدی به والدین خود دارند و احتمالاً به دلیل ترس از طرد شدن از سوی دیگران نمی توانند انتخاب های دیگری را در نظر بگیرند و به همین دلیل آن ها دارای هویت زودرس می شوند.

همچنین رابطه بین سبک دلبستگی مضطرب - دو سوگرا و پایگاه هویت آشفته را می توان این طور تبیین نمود که نوجوانان دارای سبک دلبستگی مضطرب - دوسوگرا رابطه خوبی با والدینشان ندارند و به صورت دمدمی با آن ها رفتار می کنند. این نوجوانان جرأت اکتشاف ندارند و به دیگران اطمینان نمی کنند و بر این اساس ممکن است دارای هویت آشفته شوند.

رابطه بین سبک های دلبستگی با نوع هویت...

در مورد رابطه بین سبک های دلبستگی به مادر، پدر و همسالان در زندانیان مرد و زن این نتیجه به دست آمد که بیشترین میزان دلبستگی زندانیان زن به مادر و بیشترین میزان دلبستگی زندانیان مرد به همسالان خود بود و تفاوت معناداری در دلبستگی به پدر در بین دو گروه ملاحظه نشد. همچنین معلوم شد هم زندانیان زن و هم زندانیان مرد بیشترین دلبستگی عاطفی را به مادر، همسالان و در نهایت به پدر دارند که بیانگر نقش مهم مادر در روابط عاطفی با فرزندان است. این موضوع گویای بروز تغییراتی در نوع تمایلات و نیاز های نوجوانان و جوانان است و شاید بتوان گفت تمایل به کسب استقلال از جمله نیاز هایی است که معمولاً منجر به بروز مشکلاتی در نوع ارتباط نوجوان با خانواده و ایجاد نگرانی در والدین می گردد.

سبک دلبستگی در چارچوب روابط کودک- مادر در ماه های آخر سال نخست زندگی شکل می گیرد و به تدریج استقرار و استمرار می یابد. نگاره اصلی و اولیه دلبستگی غالباً مادر است و پدر در این رابطه معمولاً دیرتر و کم رنگ تر پا به عرصه می گذارد. بنابراین برای دختر و پسر، ابتدا دلبستگی نسبت به مادر شکل می گیرد. در فرایند استمرار سبک دلبستگی وقتی وارد سال سوم زندگی می شویم پویایی روابط مثلثی والدین- کودک به اوج می رسد. از مشخصه این روابط از نقطه نظر رویکرد روان پویایی، یکی تعارضاتی است که با والد همجنس پیدا می شود و دیگری تمایلاتی است که نسبت به والد غیر همجنس شکل می گیرد. همچنین می توان از مکانیسم همانند سازی برای تبیین یافته فوق استفاده کرد. یکی از پیامد های روان شناختی شناخته شده انحلال تعارضات مثلثی، همانند سازی کودک با والد همجنس است. همانند سازی دختر با مادری صورت می گیرد که نگاره نخستین دلبستگی است و از طرف دیگر فرایند اجتماعی شدن عواطف، شیوه های ادراک، تفسیر و آشکار سازی عواطف را تحت تاثیر قرار می دهد. برای مثال وقتی مادر تحت تاثیر هنجار های فرهنگی، به دختران خود نسبت به پسران عواطف بیشتر و شدیدتری ابراز می کند بازخورد های متفاوتی در روابط عاطفی فرزندان شکل می گیرد (بشارت، ۱۳۸۵). تفاوت- های جنسی، پیوند های عاطفی در چارچوب روابط و سبک های دلبستگی از این بازخورد ها تبعیت می کند. علاوه بر این در ایران دخترها در مقایسه با پسرها کمتر فرصت تعاملات اجتماعی بیرون از خانه را دارند و بیشتر از پسرها تحت حمایت والدین قرار می گیرند، استقلال کمتری احساس می کنند در حالی که پسرها می توانند همسالان شان را جانشین والدین کنند. از این رو دخترها بیشتر از پسرها به والدین وابسته هستند و به اقتضای جنس، مادر بیشتر به عنوان الگوی رفتاری و دلبستگی آن ها قرار می گیرد. بنابراین می توان انتظار داشت که پسرها بیشتر به پدر دلبسته باشند، اما به دلیل این که پسرها به علت موقعیت اجتماعی به مرور

همسالان‌نشان را جانشین پدر می‌کنند و به علت داشتن موقعیت معاشرت با همسالان اوقات بیشتری را با آن‌ها می‌گذرانند، این معاشرت‌ها خود به خود دلبستگی ایجاد می‌کنند. همچنین بر اساس نتایج پژوهش حاضر مشخص شد زندانیان دارای سبک دلبستگی به مادر بیشترین درصد را در پایگاه هویت زودرس، زندانیان دارای سبک دلبستگی به پدر بیشترین درصد را در پایگاه هویت آشفته و زندانیان دارای سبک دلبستگی به همسالان بیشترین درصد را در پایگاه هویت آشفته نشان دادند. روابط عاطفی با مادر بر سر راه اکتشاف و جستجوگری فرد مواعی ایجاد می‌کند و سبب می‌شود فرد زودتر به تعهد برسد و به ارزش‌ها و عقاید و شیوه‌ای که مادر آن را پذیرفته است، متعهد گردد؛ بنابراین پایگاه هویت زودرس را اتخاذ می‌کند. در مجموع در این پژوهش بیشترین درصد به سبک دلبستگی به پدر تعلق داشت که مربوط به پایگاه هویت آشفته بود بنابراین می‌توان گفت این وضعیت ممکن است بیانگر وجود پدری سختگیر، انتقادگر و متعصب باشد که معمولاً اجازه تجربه شخصی را به نوجوان نمی‌دهد و معمولاً خطاهای نوجوان با تنبیه مواجه می‌شود. این الگو سبب ایجاد روابط سرد با پدر و جایگزین نمودن همسالان به عنوان منبع عاطفی می‌شود. در نوجوانان و جوانان انتخاب دوست تحت تاثیر پایگاه هویتی کسب شده قرار می‌گیرد. نوجوانان الگوهای متنوعی را از همسالان دریافت می‌دارند و از آن‌ها بازخورد‌هایی می‌گیرند که نمی‌توانند از والدین بگیرند. روابط با همسالان سبب استقلال بیشتر می‌شود و چون غالباً در پیشینه این افراد عدم احساس امنیت و فقدان روابط گرم و صمیمی با والدین وجود دارد در نتیجه در نوجوانی و جوانی افراد متعددی نخواهند شد، بنابراین در جستجوی هویت کاذب و رفتارهای خطرآمیز بر می‌آیند و وارد گروه‌هایی می‌شوند که دارای ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری متناسب با عقاید آن‌ها باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود با استفاده از نتایج این پژوهش به دختران و پسران قبل از ازدواج درباره رابطه سبک‌های دلبستگی با رفتارهای سازگارانه و بزهکارانه و شیوه‌های فرزندآموزش‌های لازم ارائه شود.

منابع

- بشارت، محمد، (۱۳۸۵). تبیین اختلال‌های شخصیت بر اساس نظریه دلبستگی. *روان‌شناسی معاصر*، ۲: ۳۵-۴۱.
- بشارت، محمد، (۱۳۷۹). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین ناباور. *تازه‌های روان‌درمانی* ۱۹ و ۲۰: ۶۶-۵۵.
- پژوهنده، علی، (۱۳۸۵). دلبستگی در بزرگسالی با تاکید بر نقش الگوهای فعال درونی. *اندیشه خانواده* ۴ (۱۳ و ۱۴): ۳۵-۴۰.
- احدی، حسن، (۱۳۸۰). *روان‌شناسی رشد*. تهران: انتشارات رشد.

رابطه بین سبک های دلبستگی با نوع هویت...

برزگر، کاظم. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و هویت چهارگانه مارسیا در دانش آموزان مقطع دبیرستان شهرستان یزد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی. رساله دکتری، دانشگاه تهران. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

جعفری، مهدی. (۱۳۸۷). مقایسه سبک های دلبستگی دختران عادی و فراری شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.

خانجانی، زینب. (۱۳۸۴). تحول و آسیب شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی، انتشارات فروزش

کاپلان، پاول. اس. (۱۳۸۶). روان شناسی رشد. سفر پرماجرایی کودک. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران. انتشارات رسا. ۴۵۰ - ۴۷۰

کاپلان و سادوک. (۱۳۸۷). خلاصه روانپزشکی (علوم رفتاری / روانپزشکی بالینی). ترجمه حسین رفیعی، فرزین رضاعی. انتشارات ارجمند جلد اول صفحه ۴۷-۴۱

ماسن، پاول هنری، کیگان، جروم، هوستون، آستا کارول، کانجر، جان جین وی. (۱۳۸۴). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. نشر مرکز

kennedy, J. H. (1999). Romantic attachment style and family of origin in first – year college student. *Journal college student*. 10, 41: 129-133

Kowleski. R , & Weston, D. (2005). Psychology (4 td ed). Exploratory interest in university student. *Asian journal of social psychology*. 3, 11: 302-310

Meredith, Pamela, Ownsworth, Strong. Jenny (2008). A review of psychology presenting a conceptual model, clinical thory and choronic pain: *The evidence linking adult attachment theory styles of adult*. 280: 407-429